

تبیین مفهوم «خواندن» در سطح دانشگاه: نقدی بر دیدگاه کریستوفر وینچ از منظر دیدگاه اسلامی عمل^۱

سمیرا حیدری^۲

چکیده

این مقاله سعی دارد اهمیت خواندن را، که یکی از مهارت‌های اساسی در نظام‌های آموزشی جهان به‌ویژه در سطح دانشگاه است، تبیین کند. روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی است. در ابتدا، مفهوم خواندن از دیدگاه وینچ ذیل عنوان «دانستن چگونه» بررسی می‌شود و مفاهیمی نظیر مهارت، توانایی‌های هم‌راستای آن و مدیریت پروژه تبیین می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که تأکید وینچ بر خواندن، به‌مثابه مهارت در تقابل با فن، از قوت‌های این دیدگاه است. در عین حال، به نظر می‌آید در این دیدگاه، با توجه به دیدگاه اسلامی عمل، که بر مبادی معرفتی و میل و اراده تأکید دارد، از تقدم اقدام بر رغبت و انگیزه خواندن غفلت شده است و این مسئله‌ای است که می‌توان آن را ضعف این نظریه دانست.

واژگان کلیدی

خواندن، برنامه درسی، دانشگاه، کریستوفر وینچ، دیدگاه اسلامی عمل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۸/۱۶

s_heidari2001@yahoo.com

۲- دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه

۱- تبیین مسئله

حدود پنج‌هزار سال پیش، مصری‌ها و سومری‌ها خط را اختراع کردند. نظام نوشتاری این دو با یکدیگر تفاوت داشت. مصری‌ها بر حروف بی‌صدا و سومری‌ها بر سیلاب‌ها تأکید داشتند، ولی هرکدام در چهارچوب خود نظام کامل زبانی را آفریدند. به طور کلی، اختراع خط توانایی اجتماعی و حیطة معرفتی بشر را توسعه بخشید (باتلر، ۱۳۸۲، ص ۴۳). امروزه شواهد بسیاری نشان می‌دهد که روزبه‌روز بر چنین گسترشی افزوده می‌شود و در این میان خواندن جایگاه مهم‌تری را به خود اختصاص می‌دهد (حافظیان، ۱۳۹۰).

تا قرن نوزدهم، در آموزش و پرورش غرب مراکز آموزشی به فرزندان فرمانرواها، کشیشان، مدیران، کشاورزان ثروتمند و آن‌هایی که آشکارا بالاستعداد بودند اختصاص داشت. سپس، برای این‌که همه از مهارت‌هایی همچون خواندن بهره‌مند شوند، آموزش و پرورش همگانی پایه‌گذاری شد. در ایران نیز در زمان ساسانیان علم‌آموزی ویژه طبقة اشراف بود، ولی پس از پذیرش دین اسلام توسط مردم ایران علم‌آموزی و یادگیری خواندن و نوشتن برای همگان در نظر گرفته شد (درانی، ۱۳۹۲).

با آن‌که خواندن از مهارت‌های اساسی در نظام‌های آموزشی جهان محسوب می‌شود، تحقیقات اندکی در این زمینه در دانشگاه‌ها صورت گرفته است. به طور کلی، میزان مطالعه و گرایش به خواندن از مهم‌ترین شاخص‌های رشد و توسعه است. سازمان یونسکو در بسیاری از همایش‌های خود توسعه اقتصادی را مرهون گسترش مطالعه، نشر کتاب و برنامه‌ریزی آموزشی می‌داند (شعبانی و فاضل، ۱۳۸۱؛ به نقل از اشرفی ریزی و کاظم‌پور، ۱۳۸۸). به بیانی دیگر، زمانی می‌توان در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی به نتایج جدید دست یافت که در عرصه‌های مختلف آموزشی و از طریق مطالعه ثمربخش توفیق قابل توجهی نصیب افراد به‌ویژه دانشجویان شود (شعبانی و شفیع‌پور مطلق، ۱۳۸۲؛ به نقل از اشرفی‌ریزی و کاظم‌پور، ۱۳۸۸).

به طور کلی، مؤلفه‌های برنامه درسی را می‌توان بر اساس مبانی فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تحلیل کرد و در این پژوهش مبانی فلسفی خواندن در دانشگاه بررسی می‌شود. یکی از پژوهش‌هایی که از بعد فلسفی در باب خواندن صورت گرفته تحقیق اسکال^۱ (۱۹۸۷) است. او در کتابی با نام قدرت متنی در مواجهه با متن سه نوع فعالیت را برای خواننده در نظر می‌گیرد که شامل

1 - Batler,S

2 - Scholes,R

«خواندن از درون»، «خواندن از فراز» و «خواندن از موضع مخالف» است (اسکال، ۱۹۸۷؛ به نقل از باقری، ۱۳۸۱، ص ۶۰۶).

دیگری پژوهشی است که شبستری انجام داده است. او در کتاب هرمنوتیک، کتاب و سنت تلاش می‌کند که در فهم و تفسیر متون دینی، که می‌تواند در خلال خواندن متن صورت گیرد، اصول دانش هرمنوتیک را به کار بندد (شبستری، ۱۳۸۱).

از منظر روان‌شناختی تحقیقات علمی زیادی در باب مهارت خواندن صورت گرفته است. یکی از این تحقیقات، که از دیدگاه روان‌شناسی به مهارت خواندن پرداخته است، تحقیق راینر^۱ و پلات سک^۲ (۱۹۹۸) است. آن‌ها به ارتباط مهارت خواندن و حرکات چشم و میدان بینایی افراد اشاره کرده‌اند. در ضمن، به ترکیبات الفبایی در متن، و ساخت جمله و معنا بر اساس یافته‌های زبان‌شناختی در یک چهارچوب نظری نظر داشته‌اند و در نهایت مدلی برای خواندن ارائه داده‌اند.

تحقیق دیگری که به صورت جامع به یادگیری مهارت خواندن پرداخته است تحقیق مک گوئینس^۳ (۲۰۰۵) است. این محقق به صورت روشمند تأثیر نکات آواشناسی را، که در زبان‌شناسی به آن توجه می‌شود، در مهارت خواندن بررسی کرده است. جمعیت مورد مطالعه او کودکان دوره ابتدایی بوده‌اند. با در نظر داشتن ابعاد سه‌گانه خواندن، در این پژوهش بر مبانی فلسفی خواندن تأکید می‌شود؛ زیرا پی بردن به مفهوم خواندن و واکاوی عناصر مؤثر در آن می‌تواند در درک صحیح خواندن و تغییر نگرش به آن مؤثر باشد.

خواندن یکی از مهارت‌های اساسی در دانشگاه است و موفقیت دانشجویان در رشته‌های تخصصی‌شان به خواندن متون به‌طور صحیح بستگی دارد (وایت^۴، ۲۰۰۴). دانشجویانی که درک مطلب خوبی دارند، دانش و توانایی‌هایی مؤثر و کارآمدی در زمینه خواندن متون دانشگاهی دارند (انمارکروُد^۵، ۲۰۰۷). با آن‌که بیشتر دانشجویان متون دانشگاهی پیشرفته را می‌خوانند، این بدان معنا نیست که همیشه اطلاعات کافی را در چهارچوب منابع مورد مطالعه به‌خوبی دریافت کرده‌اند (تاربان^۶ و همکاران، ۲۰۰۰). در دوره دوازده سال آموزش و پرورش عمومی و رسمی نظام‌های آموزشی در بسیاری از کشورها آموزش مهارت خواندن معمولاً تا پایان سال‌های پنجم و ششم خاتمه می‌یابد. در اغلب

- 1- Rayner, K
- 2- Pollatsek, A
- 3- McGuinness, D
- 4- White, H
- 5- Enmarkrud, O. B
6. Tarban, R

دانشگاه‌های جهان، با آن که دانشجویان زمان بسیاری را به خواندن اختصاص می‌دهند، دوره‌های آموزشی تأکید کمتری بر خواندن و درک مطلب دارد. این در حالی است که غالب تحقیقات نشان می‌دهد که خواندن و مطالعه در عملکرد تحصیلی دانشجویان مؤثر است (حسن‌بیگی و همکاران، ۲۰۱۱). بر اساس دیدگاه صاحب‌نظرانی همچون آدلر^۱ (۱۹۸۳)، ورود به دنیای کار می‌تواند پس از گذراندن دوره آموزشی دانشگاهی صورت گیرد و یا آن که پس از گذراندن دوره‌های کارآموزی حرفه‌ای باشد. در صورت اول، وینچ مهارت‌های نوشتن، خواندن و استدلال‌ورزی را سه مهارت اساسی ذکر می‌کند، و به‌ویژه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی برای تهیه گزارش‌های تحقیق کلاسی، مقاله و رساله به آن نیاز دارند. این دسته از دانشجویان باید محتوای درسی ارائه‌شده از سوی استادان خود را در دانشگاه خوب فراگیرند و درباره آنچه یاد می‌گیرند خوب بیندیشند. دانشجویان رشته‌های فنی و علوم طبیعی نیز باید در طیف وسیع‌تری از تحقیقات خود در زمینه‌های فنی و تجربی گزارش‌های تخصصی نوشتاری ارائه دهند (وینچ، ۲۰۱۱).

در مراکز آموزش حرفه‌ای در بسیاری از کشورها، مانند ایران، که برخی از آن‌ها زیر چتر نظام آموزش عالی تأسیس شده‌اند، مهارت خواندن بسیار اهمیت دارد. طبق تحقیق اسماعیلی (۱۳۸۹)، در منشور می‌سی‌سی‌پی در امریکا، مرکز کار و مشاغل استرالیا و کنفدراسیون صنعت انگلستان به مهارت‌های غیرفنی همچون محاسبه، خواندن و نوشتن در کنار مهارت‌های بین‌فردی، نظیر کار گروهی، ارتباط مؤثر، ارتباط با مشتری، مهارت حل مسئله، مهارت‌های کسب‌وکار، مهارت‌های شهروندی و اجتماعی - که همگی جزء مهارت‌های غیرتخصصی در عرصه زندگی حرفه‌ای به شمار می‌آیند - اشاره شده است (اسماعیلی، ۱۳۸۹). در واقع، دستیابی به اهداف حرفه‌ای و اقتصادی در جوامع امروزی و توفیق افراد در زندگی حرفه‌ای‌شان به مهارت‌های مذکور بستگی دارد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲).

معمولاً در دانشگاه خواندن چند منبع علمی از قبیل کتاب و مقاله برای نوشتن گزارش تحقیق، پایان‌نامه و رساله در بازه زمانی تعریف‌شده‌ای توسط دانشجویان صورت می‌گیرد. دانشجویان، چه در مهارت خواندن و نوشتن خبره باشند و چه ضعف داشته باشند، باید وظایفی را که به‌طور مستقیم بر اساس این مهارت‌ها تعیین می‌شود انجام دهند. در هر صورت، گزارش تحقیقات کلاسی دانشجویان،

1- Adler, M
2- Winch, C

که نمره ارزشیابی آن معمولاً در نمره ارزشیابی نهایی هر درس تأثیر دارد، و یا پایان‌نامه و رساله به‌عنوان واحد درسی دانشگاهی مبتنی بر مهارت‌های پایه خواندن، نوشتن و استدلال‌ورزی است. وینچ در مقاله‌ای در تحلیل مفهوم «دانستن چگونه» به سه مفهوم مهارت، توانایی‌های هم‌راستا و مدیریت پروژه دست یافته و تلاش کرده آن را از دایره مفهوم مهارت با رویکرد رفتارگرایانه خارج کند. با وجود این، به تقدم اقدام بر انگیزه و رغبت در خواندن توجه نداشته است که این مهم توسط دیدگاه اسلامی عمل نقد برونی و تکمیل شد.

۲- روش پژوهش

این تحقیق از نوع بنیادی است و به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است. تحقیق بنیادی در صدد توسعه دانسته‌های موجود در یک زمینه است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹). روش تحقیق توصیفی تحلیلی است؛ زیرا از سویی در پی توصیف و شناخت دیدگاه کریستوفر وینچ در زمینه تحلیل اصطلاح فلسفی «دانستن چگونه» و از سوی دیگر در پی استخراج مفاهیم اصلی در باب خواندن در دوره دانشگاه است.

منابع این تحقیق، عمدتاً، کتاب‌ها و مقالات وینچ، و منابع مرتبط با مهارت خواندن با تأکید بر دوره دانشگاه است. پس از مطالعه منابع، به جمع‌آوری، گزینش، تلخیص و دسته‌بندی مطالب پرداخته شده، سپس مطالب در جهت دستیابی به پرسش‌های پژوهش سازماندهی شده است. بخش مهم این مقاله تبیین تفکر فلسفی مفهوم «دانستن چگونه» از دیدگاه وینچ است و سپس به تبیین ارتباط مؤلفه‌های حاصل از واکاوی و تحلیل مفهوم مذکور با مهارت خواندن در دانشگاه پرداخته شده است. در نهایت، دیدگاه وینچ در تناظر با دیدگاه اسلامی عمل نقد برونی شده است.

۳- رهنمودهای وینچ در باب مهارت خواندن در دانشگاه

وینچ و همکارش در سال ۲۰۱۱ کتابی با عنوان *خواندن، نوشتن و استدلال‌ورزی* برای دانشجویان نوشتند. در این کتاب رهنمودهایی به دانشجویان دانشگاه دادند، از جمله این که یادگیری مهارت خواندن کمک می‌کند که دانشجویان در نوشتن نیز متبحر شوند. او به دانشجویان توصیه می‌کند که در مورد هدف خود از انتخاب یک منبع بیندیشند. اگر دلیل آن‌ها از خواندن یک منبع واضح باشد، بهتر می‌توانند راه‌های درست خواندن را برای خود صورت‌بندی، و به نتیجه مطلوب دست پیدا کنند. در ضمن، از دیدگاه وینچ، دانشجویان باید در انتخاب منبع عقلانی تصمیم بگیرند و این‌جاست که

مشورت آن‌ها با افراد حاذق مثل استادان و پژوهشگران دانشگاه می‌تواند مفید واقع شود. او ذکر می‌کند که یکی از استراتژی‌های مهم در خواندن منابع تشخیص محل و مکان مناسب است. سرعت و عمق خواندن نیز باید با هدف دانشجو از خواندن منبع متناسب باشد. نکته دیگر این که چگونه می‌توان منبع اختیار کرد. آیا بهتر است که منبع را خریداری کرد و یا از کتابخانه، استادان و دوستان امانت گرفت؟ آیا بهتر است تصویر از کتاب اختیار کرد و روی آن کار کرد؟ آیا نسخه پی‌دی‌اف که قابلیت استفاده از دستورات نرم‌افزاری برای پیدا کردن کلیدواژه‌ها را دارد مفید است؟ وینچ به خواندن فعال اشاره دارد و پس ختام^۱ را پیشنهاد داده است. در ضمن، توصیه کرده که هنگام خواندن یادداشت‌برداری شود؛ زیرا این کار موجب فعال‌تر کردن فرایند خواندن می‌شود و فوایدی دارد؛ مثلاً بهتر به خاطر سپردن نکات موجود در منبع مورد نظر، کمک به برقراری ارتباط دانش جدید حاصل از متن با دانش قبلی خواننده، کمک به فهم بهتر و عمیق‌تر مطالب و بالاخره ثبت و حفظ نکات و مطالب مهم برای زمانی که به آن‌ها نیاز داریم.

۴- ارتباط مفهوم «دانستن چگونه» و خواندن از دیدگاه وینچ

چند سال پس از تألیف کتاب *خواندن، نوشتن و استدلال‌ورزی*، وینچ مقاله‌ای با عنوان «سه مفهوم حاصل از تحلیل دانستن چگونه و تأثیر آن در آموزش تخصصی و حرفه‌ای» (۲۰۱۳) منتشر کرد. او با تحلیل مفهوم «دانستن چگونه» به سه مفهوم مهارت‌ها^۲، توانایی‌های هم‌راستا^۳ و مدیریت پروژه^۴ دست یافت.

حال به واکاوی هر یک از مفاهیم بر اساس دیدگاه وینچ و با تأکید بر ارتباط مفاهیم با خواندن در دانشگاه در قالب مصداق‌های عینی می‌پردازیم.

۴-۱- واکاوی مفهوم مهارت با تأکید بر مفهوم خواندن

ابعاد مفهوم مهارت: مفهوم مهارت بر انجام کارهای مشخصی دلالت می‌کند و الزاماً بر کارهایی که هماهنگی دست و چشم، و یا زبردستی را به دنبال دارد دلالت نمی‌کند. مثلاً برخی مهارت‌ها

۱- یکی از روش‌های موفق مطالعه روشی است به نام «پس ختام» یا «PQ4R». سرواژه این ترکیب از حروف اول شش مرحله «پیش‌خوانی»، «سؤال کردن»، «خواندن»، «تفکر»، «از حفظ گفتن» و «مرور کردن» به وجود آمده است.

2- skills

3- transversal abilities

4- project management

همچون کار با چکش در نجاری و یا پختن کیک در آشپزی نیاز به هماهنگی دست و چشم، و یا مهارت‌های دستی دارد، ولی مهارت محاسبات ریاضی می‌تواند در ذهن افراد صورت گیرد (وینچ، ۲۰۱۵). مهارت خواندن نیز می‌تواند حرکات چشم و مهارت نوشتن برای یادداشت برداشتن از نکات خوانده‌شده را در بر داشته باشد. از سویی، مهارت می‌تواند بر انجام کارهایی با مسئولیت زیاد، همچون راندن هواپیما برای انتقال مسافران از شهری به شهر دیگر و یا والدین برای فرزندان، دلالت کند. برقراری ارتباط نیز مهارتی است که در بیشتر امور کاربرد دارد و انسان می‌تواند از این مهارت در همه زندگی خود استفاده کند.

وابسته بودن مهارت به میل و اراده انسان: مهارت فعالیتی است هدفمند که با اراده صورت می‌گیرد. در واقع، مجری مهارت با میل و اراده خود آن را انجام می‌دهد. پس، مهارت خواندن نیز فعلی از روی ناخودآگاه و به‌طور خودبه‌خود نیست، بلکه هنگامی که فردی کتابی می‌خواند، در واقع با میل و اراده به این کار می‌پردازد.

قابل ارزشیابی بودن مهارت: هر مهارتی قابل ارزشیابی است، طوری که می‌تواند در استفاده محاوره‌ای با صفات و قیدهای حالت به کار رود؛ مثلاً، در جمله «او موشکافانه می‌خواند» و یا «خواندن موشکافانه او توجه مرا جلب کرد» واژه موشکافانه به ترتیب نقش قید حالت و صفت را به خود گرفته است. از سویی، ممکن است مهارتی صورت بگیرد ولی ماهرانه نباشد. پس مهارت در حین انجام آن و پس از انجام آن می‌تواند در بوته آزمایش و ارزشیابی قرار گیرد تا درک شود که آیا مهارت به‌خوبی صورت گرفته است یا نه.

تقلیل‌ناپذیر بودن مهارت به فن: در بسیاری موارد مهارت و فن یکسان تلقی می‌شود، یا این‌که، اغلب، فوت و فن انجام کار و مسیری که فرد می‌پیماید تا به غایتی در انجام کاری برسد مهارت به شمار می‌آید. حال آن‌که می‌توان گفت مهارت قابل تقلیل به فن نیست، زیرا ویژگی‌های فردی مانند پشتکار، استقامت و ریزی‌بینی فرد در جزئیات امر مورد نظر مطرح است. در واقع، مهارت مؤلفه‌هایی از شخصیت فرد مجری کار را در بر دارد که باعث می‌شود مهارت از فن ممتاز شود. در خواندن نیز ویژگی‌هایی نظیر پشتکار یا بی‌حوصلگی در افراد می‌تواند در مهارت مؤثر واقع شود.

۲-۴- توانایی‌های هم‌راستا در خواندن

توانایی می‌تواند توانایی‌های هم‌راستا از قبیل برنامه‌ریزی، ارتباط برقرار کردن و ارزشیابی را در بر داشته باشد.

برنامه‌ریزی: مثلاً دانشجویانی که باید در یک بازه زمانی مشخص، و حتی با بودجه تعیین شده از

سوی والدین خود یا وام دانشگاهی، تعداد زیادی کتاب برای گزارش تحقیق کلاسی یا پایان‌نامه خود مطالعه کنند نیاز به برنامه‌ریزی دارند. آن‌ها باید ابتدا با کمک استاد یا بررسی اولیه خودشان تشخیص دهند که کدام یک از کتاب‌ها نقش کلیدی دارد و باید با بودجه مناسب خریداری یا کپی شود. کدام یک با نسخه دیجیتال قابل استفاده است و به هزینه چاپ نیازی نیست. و کدام یک را می‌توان از کتابخانه با پرداخت حق عضویت، که هزینه محدودتری برای آن صرف می‌شود و نیازمند مدیریت زمان است، امانت گرفت.

یا این‌که برای فهرست طولی از منابع، که دانشجو برای پایان‌نامه یا رساله خود باید مطالعه کند، بر اساس این سؤالات می‌توان برنامه‌ریزی بهتری کرد: کدام یک از منابع در اولویت قرار دارد؛ کدام یک نیاز به بحث و رفع اشکال با استادان دارد و چقدر وقت برای هر کدام لازم است.

برقراری ارتباط: در این زمینه می‌توان به برقراری ارتباط با افراد خبره مانند استادان و مسئولان کتابخانه‌ها اشاره کرد. با برقراری ارتباط با این گروه از افراد دانشجویان می‌توانند در انتخاب کتابهای کلیدی برای کار پژوهشی خود گام استوارتری بردارند. در ضمن، در مسیر مطالعه منابع متعدد می‌توان با استادان یا دانشجویان دیگر جلساتی گذاشت و به بحث و پرسش در این زمینه پرداخت تا درک و فهم مطالب بهتر صورت گیرد.

ارزشیابی: توانایی مذکور مهم‌ترین توانایی است که در تحلیل مفهوم «چگونگی دانستن» از دیدگاه وینچ مطرح می‌شود، طوری که اساس کار در «مدیریت پروژه» به‌عنوان مؤلفه‌ای دیگر در تحلیل مفهوم «دانستن چگونه» قرار می‌گیرد. مثلاً، در ارزیابی مهارت خواندن، دانشجو ضعف‌هایی را در مهارت خواندن خود کشف می‌کند که در «مدیریت خود» تلاش می‌کند آن‌ها را از میان بردارد، یا این‌که زمان و مکان مناسب‌تری به مطالعه اختصاص دهد.

۳-۴- مدیریت پروژه در خواندن

وینچ توانایی برقراری نظم منسجم و محکم بین مهارت‌ها و توانایی‌های هم‌راستا را مدیریت پروژه می‌نامد.

مدیریت خود: در این مورد فرد توانایی‌ها و محدودیت‌های خود را شناسایی می‌کند (وینچ، ۲۰۱۳) و سعی می‌کند موانعی را که در مهارت خواندن او تأثیر می‌گذارد از میان بردارد. مثلاً، اگر به این نتیجه برسد که صبح زود مطالعه او اثربخش است و شبانگهان مطالعه او نتیجه خوبی ندارد، پس بهتر است،

با تنظیم وقت استراحت و خواب خود، در صبحگاهان به مطالعه بپردازد. برقراری ارتباط بین مؤلفه‌های لازم برای خواندن: مؤلفه‌هایی که در پاسخ به پرسش‌هایی با کلمات استفهامی‌ای از قبیل چرا، چگونه، چه منبعی، چه زمانی، در چه مکانی مطرح می‌شود اهمیت پیدا می‌کند.

مثلاً، در پاسخ به «چرایی» ابتدا دانشجو باید تعیین کند که هدف از خواندن چیست و چرا و به چه منظوری می‌خواند. آیا امتحان دانشگاهی در پیش دارد؛ آیا باید سیر مطالعاتی را پیش بگیرد و مطالب را برای گزارش تحقیق کلاسی، پایان‌نامه و رساله آماده کند.

در پاسخ به «چه منبعی» دانشجو باید با افراد باتجربه، مانند استادان، مشورت کند و کتاب‌های مناسب را برای هدف خود انتخاب کند.

در پاسخ به «چگونگی» دانشجو بر حسب هدفی که در پاسخ به چرایی انتخاب کرده است روش‌های مهارتی خواندن همچون پس ختام و مردر^۱ و روش مطالعه مشارکتی و روش پرسیدن دوجانبه و یا حتی ترکیبی از این روش‌ها را انتخاب می‌کند. در زمینه یادداشت‌برداری از کتاب می‌توان گفت که بر اساس هدف می‌توان چگونگی دستور کار را روشن کرد. مثلاً، اگر قرار است دانشجو رساله دکتری بنویسد، می‌تواند خواندن کتاب‌ها را با فیش‌برداری همراه کند و اگر برای امتحان دانشگاه خود را آماده می‌کند، می‌تواند از کتاب مورد نظر جزوه همراه با نکات اصلی تهیه کند.

در پاسخ به «چه زمانی» و «چه مکانی» نیز دانشجو باید تلاش کند که بر اساس ارزیابی خود، که در مهارت‌های هم‌راستا و مدیریت خود در مدیریت پروژه مطرح شد، زمان و مکان مناسب برای مطالعه را انتخاب کند. مثلاً ممکن است که خواندن کتابی هم‌زمان به استفاده از کتاب‌های بخش مرجع کتابخانه نیاز داشته باشد که در این صورت دانشجو باید برنامه روزانه‌ای برای خود ترتیب دهد که کتاب مورد نظر را در بخش مرجع مطالعه کند. یا این که همان کتاب با شرکت در کلاس استادی بهتر درک شود. پس در این‌جا مدیریت زمان لازم است. در واقع، این نکات راهکارهای مدیریتی‌ای است که در ذیل تحلیل مفهوم «دانستن چگونگی» برای مهارت خواندن می‌توان مطرح کرد.

۱- روش دیگر مطالعه روش مردر (MURDER) است. سرواژه‌های این کلمه از حروف اول کلمات زیر تشکیل شده است: Mood, Understanding, Recall, Detect and Digest, Expand, Review and Response.

۵- معرفی نظریه اسلامی عمل و ارتباط با خواندن

در دیدگاه اسلامی در تحلیل ماهیت عمل لازم است به تمایز «عمل» و «فعل» توجه شود. «فعل» به تأثیری اطلاق می‌شود که از موجودی بروز می‌کند. این تأثیر می‌تواند بر پایه نیت باشد یا نباشد. همچنین کننده فعل ممکن است انسان، حیوان یا جماد باشد. اما «عمل» فعلی است که از مبادی معینی نشئت گرفته باشد (باقری و همکاران، ۱۳۲۴).

هر رفتاری که در بیرون نمود یابد و از فرد سر زند عمل نیست. مثلاً حرکات فیزیولوژیکی فرد عکس‌العمل‌های بیرونی‌اند، اما چون مبانی سه‌گانه عمل را ندارند، عمل به شمار نمی‌آیند. همچنین، هر حالت درونی نیز عمل نیست، بلکه اگر بر مبانی عمل مبتنی باشد، عمل به شمار می‌آید. علاوه بر این، برای این که فعل فرد عمل به شمار بیاید باید تصویر و تصویری ذهنی از کار داشته باشد، گرایش به آن کار بیاید و آن‌گاه این مسئله را اراده کند (همان‌جا).

آنچه حائز اهمیت است این است که رفتار با عمل یکسان نیست، با افزودن عنصری بر رفتار می‌توان آن را عمل آدمی دانست. همچنین، عمل با رفتار مشهود نیز هم‌معنا نیست (باقری و خسروی، ۱۳۸۵). رفتار، بیشتر جنبه بیرونی و محسوس دارد، اما عمل هم جنبه درونی دارد و هم جنبه بیرونی. علاوه بر این، رفتارها تنها اگر بر مبانی معینی بنیان نهاده شوند، عمل نامیده می‌شوند (همو، ۱۳۸۱). در واقع، عمل به هر رفتار انسانی اطلاق می‌شود که مبتنی بر مبادی معرفت، میل و اراده باشد (باقری و خسروی، ۱۳۸۵). به این ترتیب، برای آن که عملی به انسان نسبت داده شود، وی باید تصویری شناختی از عمل کسب کند، میل به تحقق آن داشته باشد و اراده و اختیار وی به تحقق آن منجر شود (باقری، ۱۳۸۲). با توجه به مبادی سه‌گانه عمل، هر حالتی از انسان اعم از درونی و برونی که مبتنی بر سه مبادی مذکور باشد عمل به شمار می‌آید.

عمل از دو جنبه موجب تحکیم میل می‌شود: نخست آن که مبدأ معرفتی مقدم بر میل را تحکیم می‌کند که می‌توان گفت این به نوبه خود زمینه تحکیم میل را فراهم می‌آورد. دیگر آن که عمل تحقق‌یافته عمل دارای آثار است. به طور کلی، دو دسته اثر برای عمل آدمی می‌توان قائل شد: دسته اول اثر بازگشتی است، به این معنا که عمل به سوی عامل باز می‌گردد؛ به بیان دیگر تحقق عمل مبادی عمل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دسته دوم تأثیر عمل بر پیرامون عامل است (باقری و همکاران، ۱۳۲۵).

به این ترتیب، اثر بازگشتی عمل بر مبادی آن موجب تثبیت و تحکیم این مبادی می‌شود و هنگامی که عمل با محتوای معینی از حیث مبادی آن به انجام می‌رسد، محتوای مذکور تحکیم می‌یابد. در مورد مبدأ معرفتی منظور این است که عمل اندیشه‌ها را بالاتر می‌برد؛ به عبارت دیگر،

عمل ویژگی معرفت را بارزتر می‌کند. در واقع، انجام و استمرار عمل عالمانه باعث استحکام علم و آگاهی انسان می‌شود. در مورد مبدأ میلی عمل نیز باید گفت که خود میل را نیز تشدید می‌کند. به همین ترتیب، عمل در اراده نیز تأثیر تحکیم‌کننده دارد (باقری، ۱۳۸۲).

۱-۵- خواندن به منزله عمل

اگر بخواهیم بر اساس مدل انسان به منزله عامل به بحث در مورد خواندن بپردازیم، باید بگوییم که خواندن به عنوان عمل خوانده می‌شود. به عبارت دیگر، لازم است خواندن بر اساس مبادی معرفتی، میلی و ارادی صورت گیرد تا به منزله عمل تلقی شود. در این جا باید ذکر کرد که اگر خواندن را به مثابه عمل تلقی کنیم، راه را از مهارت‌گرایی در پردازش مفهوم خواندن جدا می‌کنیم.

۱-۱-۵- مبادی معرفتی خواندن

یکی از محدودیت‌هایی که انسان در زندگی خود با آن روبه‌روست مواجه شدن با مجهولات است، از این رو، لازم است که فرد مهارت‌های لازم را برای حرکت از مجهولات به معلومات از طریق خواندن فراگیرد.

ممکن است دانشجویی کتاب و امکانات لازم را برای مطالعه داشته باشد، ولی مهارت‌های لازم را برای مطالعه و درک مطلب نداشته باشد و در پی آموختن آن‌ها نباشد. پس، در این صورت، خود را از حرکت به سوی کمال و غلبه بر محدودیت‌ها و موانع بازداشته است. دانشجو باید در جهت رفع موانع و محدودیت‌ها گام بردارد و مهارت‌های لازم برای خواندن را فراگیرد. از سوی دیگر، اگر دانشجو هدفش از خواندن فقط به دست آوردن اطلاعات برای گذراندن امتحان یا نوشتن تکالیف دانشگاهی، و بازگویی و تلخیص باشد، دستاورد خواندن خود را محدود کرده است و به قول اسکال (۱۹۸۷) خواندن از نوع «خواندن از درون» اتفاق می‌افتد. حال آن‌که با غلبه بر محدودیت‌هایی که حاصل فهم چستی خواندن است می‌تواند متن را تفسیر کند و آن را عمیقاً درک کند؛ یعنی به «خواندن از فراز» دست یابد یا به تحلیل مفروضات متن بپردازد و با نگرشی نقادانه به امر خواندن بپردازد؛ یعنی به «خواندن از موضع مخالف» دست یابد.

از سویی، غوطه‌ور شدن در مجهولات می‌تواند شرایط محدودکننده‌ای برای عقل به وجود آورد و انسان به کمک خواندن می‌تواند بر بخشی از مجهولاتی که با آن روبه‌روست غلبه کند. پس خواندن عامل رشد و تعالی عقل است و ترک چنین عملی نیز یکی از عوامل زوال عقل است.

دانشجویان با خواندن متون دانشگاهی برخی توانایی‌های بالقوه‌شان فعلیت می‌یابد. همین توانایی‌های تحقق‌یافته در دانشجویان موجب شکل‌گیری تصور آن‌ها از خود می‌شود. در واقع، ظرفیت‌ها و استعدادهایی در دانشجویان نهفته است و زمانی که آن‌ها به خواندن منابع گوناگون در زمینه‌های مختلف تحصیلی خود می‌پردازند، آن ظرفیت‌های بالقوه در مسیر تجلی یافتن و بالفعل شدن قرار می‌گیرند. همین باعث می‌شود که دانشجویان دارای تصویری بهینه از خویش‌شان شوند.

یادگیری مهارت‌های خواندن نیز می‌تواند احساس استقلال در دانشجویان به وجود آورد. در واقع، لازمه مطالعه متکی بر خود تسلط بر مهارت‌های خواندن است. به این ترتیب، دانشجویان از وابستگی به استاد و کلاس درس رها می‌شوند و احساس استقلال در آن‌ها شکل می‌گیرد، که در تکوین شخصیت آن‌ها مؤثر است.

از سویی، خواندن و مطالعه متون دانشگاهی می‌تواند زمینه‌ساز یادگیری حرفه برای آینده و تسلط بر آن باشد. همین نکته باعث شکل‌گیری احساس استقلال اقتصادی در زندگی آینده دانشجویان، که در اوان دوران دانشجویی مشغول به کار و حرفه نیستند، می‌شود. پس توفیق در خواندن متون دانشگاهی می‌توان احساس عزت را به دنبال داشته باشد.

طبق تحقیق باقری (۱۳۸۴)، بر اساس مبنای معرفتی عمل، حرفه موجب شکل‌گیری برخی شئون آدمی و فعلیت یافتن توانایی‌های انسان و احساس استقلال می‌شود. در مقدمه نیز اشاره شد که طبق دیدگاه آدلر خواندن از جمله توانایی‌های مطرح در هر حرفه‌ای است و امروزه هر کار و حرفه‌ای با خواندن، نوشتن و محاسبه عجین است و از هم جدای‌ناپذیرند. در دانشگاه نیز دانشجویان به خواندن متون علمی نیاز وافر دارند. پس اگر خواندن را به مثابه عمل فرض کنیم، می‌توان ویژگی‌های نامبرده را مبتنی بر مبادی معرفتی برای خواندن در نظر گرفت.

۲-۵- مبادی میلی خواندن

۱-۲-۵- گرایش معطوف به خود

منظور از گرایش معطوف به خود آن است که دانشجو تلاش کند بین ژرف‌خوانی در منابع محدود، که قصد او فهم هرچه عمیق‌تر متون است، و سطحی‌خوانی در منابع متعدد، که به آشنایی او با منابع بیشتری منجر می‌شود، تعادل ایجاد کند. در واقع، او از سویی تمایل دارد که مطالب را خوب درک کند، پس زمان بیشتری برای خواندن یک منبع صرف می‌کند. از سوی دیگر، زمانی که تصمیم دارد با جوانب موضوعی آشنا شود باید به منابع بیشتری رجوع کند و در عین حال ممکن است به سطحی‌خوانی منجر شود. به عبارت دیگر، او باید با اتخاذ تصمیم مناسب در انتخاب منابع، که

می‌تواند از طریق مشاوره با اهل فن صورت گیرد، و برنامه‌ریزی مناسب برای مطالعه در پیوستار بین ژرف‌خوانی و سطحی‌خوانی نقطه‌ای متعادل را پیدا کند.

۲-۲-۵- گرایش معطوف به دیگران

مقصود از گرایش معطوف به دیگران این است که فرد خواننده در قبال بهره‌مندی از دیگران امانتدار و در قبال کمبودهای دیگران حساس باشد. به طور کلی، خواننده با دو گروه در امر خواندن تعامل دارد. یکی با گروه نویسنده یا نویسندگان کتاب که با خواندن کتاب آن‌ها با آنان تعامل دارد. در این صورت، اگر از کتاب آن‌ها نقل‌قولی می‌آورد و یا در جایی کتاب آن‌ها را معرفی می‌کند باید تلاش کند که امانتداری کند. از سویی، اگر نکات مبهمی در آثار می‌یابد و یا برای بهتر شدن آثار نیز پیشنهادی دارد با نویسندگان در میان بگذارد؛ بدین معنا که در قبال کمبودهای نویسندگان مسئولیت نشان دهد.

گروه دیگر، که ممکن است دانشجو با آن‌ها تعامل داشته باشد، خوانندگان دیگر آثارند. آن‌ها با کار گروهی در امر خواندن می‌توانند به پرسش‌ها و ابهامات یکدیگر تا جای ممکن پاسخ دهند و در فهم بهتر مطلب به یکدیگر یاری رسانند.

۳-۵- مبادی ارادی خواندن

داشتن سؤال مشخص در مورد مطالب علمی و داشتن دغدغه علمی در مسیر خواندن یک مطلب می‌تواند در شکل‌گیری اراده دانشجو تأثیر داشته باشد. در این صورت، دانشجویان در پی یافتن پاسخ برای پرسشی علمی که برایشان پیش آمده با رغبت و شور و نشاط بیشتری به خواندن می‌پردازند. وضعیت ارادی مطلوب در مورد خواندن آن است که فرد از سستی و بی‌رغبتی در خواندن دور باشد و کشش لازم را به سوی خواندن داشته باشد. برخی اوقات دانشجویان برای پشت سر گذاشتن آزمون‌ها ناچارند که به‌سختی فرایند خواندن را پشت سر بگذارند و حال آن‌که برخی اوقات نیز خود خواهان مطالعه‌اند و به خواندن بیش از پیش مبادرت می‌ورزند. وقتی عمل خواندن حالت کامل خود را می‌یابد که فرد با اراده خود به آن پردازد و اجباری در کار نباشد. دانشجویی که از روی اجبار، مانند تهیه گزارش تحقیق برای کسب نمره، و نه از روی رغبت به امر مطالعه و خواندن منابع پردازد، در واقع، اراده او شاکله کاملی نمی‌یابد و در نتیجه نمی‌توان خواندن او را نیز به‌مثابه عمل به‌صورت تام در نظر گرفت. به این ترتیب، وقتی دانشجویی با تمام وجود به امر خواندن پردازد و با عمل مذکور رابطه‌ای دوگانه داشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که نتیجه مطالعات او نیز به نوآوری منجر شود.

مثلاً، گزارش تحقیق کلاسی او یا مقاله‌ای که تهیه کرده است فاقد نوآوری خواهد بود. البته داشتن اراده‌ی تام در خواندن شرط لازم برای آفرینندگی و نوآوری در ارائه‌ی محصول آن است و کافی نیست. اراده‌ورزی برای خواندن در خود فرد ریشه می‌گیرد و شاید قابل آموزش از مربی به مربی نباشد، ولی مبادی شناختی و میل می‌تواند زمینه‌ساز وجه ارادی عمل خواندن باشد که در این صورت می‌توان گفت نقش مربی می‌تواند لحاظ شود. مربی با به وجود آوردن بینش در دانشجویان نسبت به فواید خواندن، متناسب با مراحل مختلف آموزشی و پیامدهایی که سستی کردن در آن دارد، می‌تواند اراده‌ورزی دانشجو را تقویت کند و به این ترتیب در تحکیم اراده‌ی او نقش داشته باشد. وقتی اراده به خواندن و مطالعه در دانشجو شاکله‌ای مطلوب یافت، هم خود او و هم استادش باید در حفظ این اراده و پیشبردش بکوشند.

نکته‌ی دیگر این که اقدام به عمل خواندن موجب تحکیم مبادی شناختی، گرایشی و ارادی می‌شود. مثلاً، اگر، در ابتدا، دانشجو نسبت به خواندن احساس سستی و بی‌رغبتی نشان دهد، ولی به امر خواندن مبادرت ورزد، می‌توان گفت که همین اقدام گامی در جهت تحکیم اراده‌ی دانشجو برای ادامه‌ی عمل خواندن با رغبت کافی است.

۶- نقد دیدگاه وینچ در باب خواندن بر اساس دیدگاه اسلامی عمل

وینچ بین مهارت و فن تفاوت قائل شده و تلاش کرده است که در تحلیل مفهوم «دانستن چگونه» از مفهوم مهارت با رویکرد رفتارگرایانه خارج شود. از دیدگاه باقری (۱۳۸۴) مهارت مفهوم رفتارگرایانه دارد و به نحوه‌ی انجام کار ناظر است. از دیدگاه باقری و خسروی (۱۳۸۷) سیمای انسان در رویکرد رفتارگرایانه منفعل است و فعالیتی در درون روان در نظر گرفته نمی‌شود. فعالیت روانی انسان تنها بازتاب به شمار می‌آید و در آن جوشش و حرکتی نیست. ولی، با وجود این، وینچ در فعالیت خواندن به تقدم اقدام بر انگیزه و رغبت به خواندن توجهی نشان نداده است. در راهبردهای خواندن، مانند مردر، دانشجو باید زمانی که تمایل به خواندن را در خود احساس می‌کند به مطالعه بپردازد. این راهبرد مبتنی بر رویکرد رفتارگرایانه است. در این راهبرد در آغاز خواندن دانشجو کاری نمی‌کند. حال آن که باید توجه داشت که اقدام به خواندن، که جوششی از درون فرد است، طبق نظریه‌ی عاملیت انسان می‌تواند به تحکیم مبادی، از جمله میل و اراده، منجر و موجب شود که خود دانشجو خواهان پرداختن به خواندن شود. طبق تحقیق باقری (۱۳۸۴)، وقتی فردی به انجام کار و حرفه‌ی خویش می‌پردازد، خود اقدام موجب تحکیم مبادی معرفتی، میلی و ارادی زیرساز آن می‌شود. عمل دارای اثر بازگشتی است که معطوف به مبادی آن است. باقری (۱۳۸۲) می‌گوید: «دو دسته اثر

بر عمل آدمی مترتب است که در شناخت عمل باید به آن‌ها توجه کرد. دسته نخست، اثر بازگشتی است که از عمل به سوی خود عامل باز می‌گردد و آن را اثر بازگشتی نوع اول خواهیم نامید. به گفته دیگر، تحقق عمل موجب تأثیر در مبادی عمل می‌شود. دسته دوم، اثری است که عمل بر اشیاء و اشخاص پیرامون عامل به جا می‌گذارد. در ضمن، مطالعه گروهی و جمع‌بندی مطالب به صورت گروهی نیز می‌تواند در تحکیم مبادی ارادی و ارتقای رغبت دانشجویان نقش داشته باشد. برنز (۱۹۹۰) نیز کار و اقدام را مقدم بر انگیزه و رغبت دانسته است. از دیدگاه وی نیز اقدام می‌تواند انگیزه و رغبت ایجاد کند و انگیزه و رغبت به وجود آمده می‌تواند در اقدام بیشتر تأثیر بگذارد. باید توجه داشت که اگر دانشجو بخواهد در انتظار رغبت برای خواندن باشد و یا در پی یافتن زمان و مکان مناسب، ممکن است این احساس رغبت، و یا زمان و مکان مناسب در بازه‌های زمانی‌ای که در طول تحصیل به آن نیاز دارد پیش نیاید و همین نکته باعث شکست تحصیلی او شود. حال آن که اقدام به عمل خواندن می‌تواند وی را در جهت تحکیم مبادی آن پیش ببرد.

۷- نتیجه‌گیری

از دیرباز تاکنون خواندن به مثابه امری اجتناب‌ناپذیر در نظام‌های آموزش و پرورش جهان مطرح بوده است. در دانشگاه نیز خواندن با چالش‌های زیادی روبه‌روست؛ زیرا دانشجویان با اهداف گوناگونی به آن می‌پردازند و در حین آن با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند. وینچ در تحلیل مفهوم «دانستن چگونه»، علاوه بر مهارت، مفاهیمی همچون توانایی‌های هم‌راستا و مدیریت پروژه را نیز به دست می‌آورد، که بر اساس آن‌ها در این مقاله به تحلیل امر خواندن پرداخته‌ایم، و فراز و فرودهایی را که دانشجویان در خواندن با آن مواجه می‌شوند واکاوی کرده‌ایم. مفاهیمی که وینچ از تحلیل مفهوم «دانستن چگونه» به دست آورده است از جنس مهارت‌اند. حال آن که از منظر دیدگاه اسلامی عمل نمی‌توان عمل را در مفهوم مهارت محصور کرد. بر اساس نظریه عاملیت انسان، اگر خواندن به مثابه عمل در نظر گرفته شود، برای آن مبادی معرفتی، میلی و ارادی را می‌توان در نظر گرفت و خواندن حیطه‌ای وسیع‌تر از آنچه وینچ در نظر گرفته است خواهد داشت. هرچند راهکارهایی که وینچ برای خواندن در سطح دانشگاه ارائه می‌دهد می‌تواند مفید باشد، همگی در سطح گسترده‌ای از مهارت باقی می‌ماند. این در حالی است که در نظریه عاملیت انسان با در نظر گرفتن خواندن به مثابه عمل می‌توان مبادی عمل، یعنی معرفت، میل و اراده را برای آن در نظر گرفت و ابعاد وسیع‌تری مانند تأثیر عمل در مبادی و نقش تحکیم‌کننده آن را برای مبادی برشمرد. در ضمن، بر اساس دیدگاه وینچ دانشجویان باید شرایط مناسب برای خواندن را در نظر داشته باشند تا احساس میل و

رغبت کافی در آن‌ها به وجود بیاید و به خواندن بپردازند. همچنین، در راهبرد مردر هم اشاره شده است که وقتی رغبت کافی وجود دارد باید به خواندن پرداخت. این در حالی است که از دیدگاه اسلامی عمل اقدام به عمل یا دست به کار شدن می‌تواند در تحکیم مبادی عمل مؤثر باشد و به تدریج خواندن شاکله‌ای مناسب می‌یابد. علاوه بر نکاتی که اغلب جنبه مهارتی دارد و وینچ بیان کرده است، بر اساس دیدگاه اسلامی عمل باید به تقدم کار و اقدام بر انگیزه و رغبت نیز توجه کرد و به‌ویژه در خواندن در سطح دانشگاه، که دانشجویان در مقایسه با دوران مدرسه با متون متعدد و دشواری روبه‌رو می‌شوند، به این نکته مهم توجه کرد. در ضمن، با توجه به اهمیت خواندن در سطوح مختلف آموزشی، به‌ویژه در سطح دانشگاه، توصیه می‌شود که خواندن بر اساس مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی با تکیه بر وجه اسلامی مطالعه و بررسی شود.



منابع

- اسماعیلی، مهدی (۱۳۸۹)، «برای شغلم چه چیزهای بیشتری باید بیاموزم»، نشریه رشد آموزشی، س ۱۱، ش ۳، صص ۴-۲۳.
- اشرفی‌ریزی، حسن و زهرا کاظم‌پور (۱۳۸۸)، «آشنایی دانشجویان با شیوه‌های مطالعه»، ماهنامه کتاب ماه کلیات، ش ۴۳، صص ۷۰-۷۳.
- باقری، خسرو (۱۳۷۵الف)، «انسان به‌منزله عامل: بحث تطبیقی در پیش‌فرض‌های روان‌شناسی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، س ۳، ش ۹، صص ۲۲-۳۷.
- _____ (۱۳۷۵ب)، «عمل آدمی و آثار آن»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، س ۳، ش ۷، صص ۲۰-۳۱.
- _____ (۱۳۷۹)، «جستاری در امکان و فرایند تکوین دانش در علوم انسانی بر اساس اندیشه اسلامی»، در مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، تهران: وزارت علوم.
- _____ (۱۳۸۰)، **چیستی تربیت دینی**، تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
- _____ (۱۳۸۲)، **هویت علم دینی**، تهران: انتشارات فرهنگ.
- _____ (۱۳۸۴)، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، ج ۲، تهران: انتشارات مدرسه.
- _____ (۱۳۸۷)، **درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران**، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی طحارۀ اسلامی عمل با انسان‌شناسی (پسا) ساختارگرا»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ۲۵، ش ۲، صص ۹-۶۹.
- _____ (۱۳۸۹الف)، **درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران**، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۹ب)، **الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو و محمد عطاران (۱۳۷۶)، **فلسفه تعلیم و تربیت معاصر**، تهران: انتشارات محراب قلم.
- باقری، خسرو و زهره خسروی (۱۳۸۵)، «بررسی تطبیقی عاملیت آدمی در نظریه‌های اسلامی در باب عمل و نظریه انتقادی هابرماس»، فصلنامه حکمت و فلسفه، ش ۷، صص ۷-۲۲.
- باقری، خسرو و طیبه توسلی و نرگس سجادیه (۱۳۸۹)، **رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- باتلر، سپیریس (۱۳۸۲)، *جنبه‌های نظری علم کتابداری، ترجمه هوشنگ ابراهمی*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- حافظیان رضوی، سید کاظم (۱۳۹۰)، «بررسی وضعیت کتاب و کتابخوانی در جهان»، ماهنامه کتاب ماه کلیات، س ۱۴، ش ۴، صص ۲۳-۲۶.
- حیدری، سمیرا و دیگران (۱۳۹۲)، «تبیین و نقد مبانی فلسفی مفهوم یادگیری در طرح پایدیا»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، سال ۳، ش ۱، صص ۹۳-۱۱۰.
- درانی، کمال (۱۳۹۲)، *تاریخ آموزش و پرورش ایران*، تهران: سمت.
- شعبانی، احمد و محمدرضا شفیعی‌پور مطلق (۱۳۸۲)، «بررسی مقایسه‌ای میزان آگاهی دانشجویان از شیوه‌های مطالعه»، فصلنامه کتاب، دوره ۴، ش ۲، صص ۳۶-۴۴.
- شعبانی، احمد و مرتضی فاضل (۱۳۸۱)، «مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان دوره متوسطه و شناسایی عوامل مؤثر بر آن از نظر دانش‌آموزان شهرضا»، فصلنامه کتاب، دوره ۱۳، ش ۲، صص ۴۷-۵۵.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۱)، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، تهران: انتشارات طرح نو.
- Adler, M.J. (1970), *The Paideia Proposal*, New York: Macmillan Publishing Company.
- Enmarkrud, O.B. (2008), "Learning and Individual Differences", *Motivation for reading comprehension*, 19, pp. 252-256.
- Fairbairn, G. & C. Winch (2011), *Reading, Writing, Reasoning*, London: McGraw Hill.
- McGuinness, D. (2005), *Language Development and Learning to Read*, London: The MIT Press.
- Tarban, R. & K. Rynearson & M. Kerr (2000), "College student academic performance and self-reports of comprehension strategy use", *Reading Psychology*, 21, pp. 283-308.
- White, H. (2004), "Nursing Instructors Must Also Teach Reading and Study Skills", *Reading improvement*, 41, pp. 38-50.
- Winch, C. (1998), *The Philosophy of Human Learning*, London: Routledge.
- Winch, C. (2013), "Three Different Conceptions of Know-how and Their Relevance to Professional and Vocational Education", *Journal of philosophy of education*, 47, 2, pp. 281-298.